معنای استحباب قرائت نافع و مدنیین

شاگرد۲: استحبابی که آقا فرمودند صاف شد؟

استاد: استحباب به این معنا که اینها اشد حفاظا بر سماع هستند. چون بشر است، وقتی به وادی احتجاج میرود همانطور که قبلاً هم عرض کردم قرار نیست اینها را معصوم بدانیم. ما داریم با فضای تواتر و حساب احتمالات و ملاحظه کردن تمام مؤلفههای دخیل جلو میرویم. یکی از مؤلفههای دخیل همین است که ببینیم طرف سلم محض است و اصلاً کاری به فهم معنا ندارد و هرچه استادش بر او اقراء کرده را رعایت کرده ای من؟ به این معنا مانعی ندارد.

شاگرد: ایشان از «ملک» و «مالک» پرسیدند. یعنی در اینها ما قطع داریم که مشکلی ندارند. یعنی از اینکه حضرت فرمودهاند «اما نحن...» استحباب بیرون میآید؟

استاد: آقای حکیم فرمودند چون زمخشری میگوید «ملک» قرائة اهل الحرمین است، ارجح این است. بعد میگویند اینها بودند که نزدیک تر بودند به جایی که نزدیکان حضرت بودند. ایشان به این صورت ترجیح میدهند. آیا از این ترجیح استحباب در میآید یا نه؟ این به مبادی استحباب مربوط میشود. اینکه شما استحباب را چطور معنا کنید. چیزی که من در ذیل فرمایش ایشان عرض میکنم همین اندازه است که اگر قرار باشد قرائت مدنیین –که نافع هم در همان بستر بوده و خودش کاره ای نبوده- تعبد بیشتری در حفظ الفاظ داشته باشند، از این ناحیه استحباب بهمعنای مراجعه به کسی است که حفاظ بیشتری بر عین لفظ دارد به این معنا اولویت بیشتری داشته باشد.

شاگرد: گویا این بیان را طبق مبانی خودتان نمی فرمایید. چون اگر قرار است همه اینها را با تواتر ثابت کنیم و در صدی احتمال ندهیم که به حضرت رسول نرسد... .

شاگرد۲: در ذهن ما ترجیح به این صورت است که شک داریم یکی از این دو درست است و یکی از آنها غلط است و یکی را بر دیگری ترجیح میدهم.

استاد: اگر ترجیح در مقام ما وه الصواب فی الواقع است، این غلط است.

شاگرد۲: الآن تلقی همه این است .

استاد: تلقی همه این نیست. الآن دو نکته عرض کنم.

بازبینی #2
ایجاد شده 6 آوریل 2024 14:26:18 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2024 14:56:09 توسط ... .